

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Children

کودکان

آ. آژنگ

۰۲ جون ۲۰۱۱

کودکی گمشده

به گزارش دویچه وله، در گزارش سازمان ملل ، که روز دوشنبه در نیویارک ارائه شد، از آغاز سپتمبر سال ۲۰۰۸ تا اگست سال ۲۰۱۰ جمعاً ۱۷۹۵ کودک در نتیجه جنگ‌ها در افغانستان جان باخته‌اند یا زخمی گردیده‌اند. بان کی مون، سرمنشی سازمان ملل متحد گفته است که رقم اصلی قربانیان کودک در افغانستان احتمالاً بالاتر از این است، زیرا در مناطق درگیر جنگ شمارش قربانیان دشوار است.

در گزارش آمده است که این کودکان در حملات انتحاری، شلیک راکت، بمب‌گذاری‌ها، سوءقصد های طالبان و دیگر گروه‌های مسلح، و همچنین در نتیجه عملیات نیروهای امنیتی افغان و بین‌المللی کشته شده‌اند. مرگ در کشتارگاه سرزمینی به نام افغانستان همچنان در کمین است و نهان و پیدا دست چین می کند. در این جولانگاه قربانی اول کودک این کشور محضر است که در آمدن و رفتنش از دنیا تنها واژه بدبختی را از در و دیوار خانه اش می شناسد و کودکی گمشده اش را هیچگاهی نمی یابد .

روز کودک که بیگمان در این جا و آنجا در لایه لای کلمه ها وسخن شنوایی ها گویا به تجلیل گرفته می شود در افغانستان روزیست که بایست چون قیامت گواه لکه های خون بردامن قصابانی باشد که با توحش و بربریت هستی و معنویت انسان این جغرافیا را به غارت برده و با مانده هایش معامله کثیف و تهوع آور شان را ادامه می دهند . بوق و کرنای "محترم رئیس جمهور" و دار و دسته اش در هر محفل و کنفرانس مطبوعاتی از دست آورد شش میلیون کودکی می گوید که توانسته اند به برکت دموکراسی کشنده و حضور پردردسر نیرو های خارجی به مکتب بروند

مگر اینان چشم هایشان را بسته اند که شش میلیون کودک دیگر نمی توانند به مکتب بروند چرا که مکتب هایشان را سوزانده اند و معلم هایشان را کشته اند .

آنانیکه قلب های سیاه به تاریکی چشم های سرمه بسته خود دارند در پشت درگاه لحظه شماری می کنند تا آخرین یاوه گوئیها را شنیده و بعد بساط فلاکت را نیز با طیب خاطر هموار کنند و چه شرم آلود است که در این آرزو به بهای بسیار گزاف دولت کنونی و قدرتمندان نیز چاقو دسته می کنند .

دیگرگهیست شعار های دموکراسی و حقوق بشر و یا زن و کودک از ترمولوژی اربابان قدرت در افغانستان فروگذاشته شده و تنها لیلیم واژه صلح است که در جبین هر کمیسیون و میزگرد و چهارکنج و برنامه های رنگارنگ به خورد مردم خسته از جنگ امپریالیستی و ارتجاعی داده می شود .

کودکی که در سال ۲۰۰۱ به دنیا آمدحالا یازده سالش است با سرنوشت گنگ و آینده موهوم؛ دخترانش در ترس بسته شدن مکتبهایشان اند که قصه اش را از زبان مادران بدبخت شان شنیده بودند و پسران نیز قربانیهای اند که تا ده سال دیگر جوان بی آینده نسل دیگر خواهد بود .

چه کسی بار این گناه را بردوش دارد؟

چه کسی پاسخ این ندانم کاری را برلب خواهد آورد ؟

دست های کودک این سرزمین خونین ومالین است و سرپنجه نازکشان در پی به دست آوردن نان در میان تار های درشت و برنده قالین یکریز پس و پیش می رود .

گونه ها و دستهای کلفت و سیاهچرده کودکان این سرزمین در بدل به دست آوردن پول برای زنده ماندن لطافت کودکانه خودشان راهمچون رؤیاهایشان از دست داده اند .

آنانیکه از اسباب بازی دنیا توده های خاک برایشان رسیده و خاکبازی کودکانه را در کوچه های پیش خانه دوست دارند در بمباردمان های اشتباهی تکه پاره می شوند.

ذهن کودکانی که بازی دست بزرگان قاتل و وحشی اند با کارسیستماتیک و یکریز شسته و روفته شده و در رؤیای بهشت کاذب برای پوشیدن واسکت انتحاری آماده می شوند .

خسونت و بهره برادری جنسی، تبعیض جنسیتی، نبود برنامه منظم تربیتی و تعلیمی و در بلندای همه شکم های گرسنه و ناامنی همچو هیولای زشت کودکی این بیگناهان را دزدیده و کسی نیست که به این کودکی گمشده بی اندیشد.

این روز در تنها سرزمینی که نباید مبارکش گفت همین افغانستان است

کابل

۱۱ جوزا